

نقد ساخت‌گرایی تکوینی رمان همسایه‌ها اثر احمد محمود

آرزو شهبازی* / مریم حسینی** / عسگر عسگری حسنکلو***

دریافت مقاله:

۱۳۹۳/۱۰/۱۷

پذیرش:

۱۳۹۳/۱۱/۱۱

چکیده

لوسین گلدمن (۱۹۷۰-۱۹۱۳م) پژوهشگر سرشناس حوزه جامعه‌شناسی ادبیات و رمان است. وی با پیروی از نظریه کارل مارکس به بررسی ارتباط اثر ادبی با جامعه پرداخت؛ پس از آن حوزه پژوهش‌های جامعه‌شناسانه خود را به جامعه‌شناسی رمان منحصر کرد و روش جدیدی را در پیش گرفت که آن را ساخت‌گرایی تکوینی نامید. او در روش خود در پی برقراری پیوندی معنادار میان فرم ادبی و مهم‌ترین جنبه‌های زندگی اجتماعی بود. در ساخت‌گرایی تکوینی به جنبه‌های تاریخی توجه ویژه‌ای می‌شود. احمد محمود (۱۳۱۰-۱۳۸۱ ش) نویسنده خطه جنوب ایران است. وی را به دلیل پرداختن به زندگی واقعی طبقه کارگر و ضعیف جامعه، نماینده رئالیسم اجتماعی می‌دانند. همسایه‌ها اولین رمان محمود است که به دلیل پرداختن به زندگی مردم جامعه به‌عنوان اثری اجتماعی قابل بررسی است. در این مقاله، این رمان به روش ساخت‌گرایی تکوینی گلدمن از منظر نقد جامعه‌شناسانه بررسی شده است. رمان همسایه‌ها به دلیل پرداختن به مسائل جامعه ایران در دهه ۲۰، از جمله حضور نیروهای انگلیسی در ایران، غارت نفت، ملی شدن این صنعت، اعتصابات کارگران و از این قبیل، اثری رئالیستی است و بسیاری از مؤلفه‌های روش ساخت‌گرایی تکوینی گلدمن بر آن قابل انطباق است.

کلیدواژه‌ها: نقد جامعه‌شناختی، لوسین گلدمن، ساخت‌گرایی تکوینی، احمد محمود، همسایه‌ها.

shahbazi.arezou@yahoo.com

* کارشناسی ارشد دانشگاه الزهراء. (نویسنده مسئول)

** استاد دانشگاه الزهراء.

*** استادیار دانشگاه خوارزمی.

مقدمه

جامعه‌شناسی ادبیات در قرن بیستم به‌عنوان رویکردی ادبی مطرح شد. لوسین گلدمن (۱۹۷۰-۱۹۱۳) از اندیشه‌های هگل، لوکاچ، مارکس و ژان پیازه متأثر بود. وی قصد داشت تا دیالکتیک موجود میان اثر ادبی و طبقه اجتماعی را کشف کند. به عقیده او آفریننده اثر ادبی نه یک فرد، بلکه طبقات و گروه‌های اجتماعی جامعه هستند. یک فرد هرگز نمی‌تواند ساختار ذهنی منسجمی منطبق با طبقه اجتماعی ایجاد کند. پس از آن گلدمن نظرات جامعه‌شناسانه خود را منسجم‌تر کرد و پژوهش‌های خود را از جامعه‌شناسی ادبیات به جامعه‌شناسی رمان محدود کرد. اولین مسئله در جامعه‌شناسی رمان رابطه میان فرم رمان و ساختار اجتماعی است که رمان در آن به وجود آمده است. از دیدگاه گلدمن رمان برگردانی از زندگی روزمره در عرصه ادبی است و جامعه‌ای که در خدمت تولید برای بازار است. «میان فرم ادبی رمان و رابطه روزمره انسان‌ها با کالاها به طور کلی، و به معنایی گسترده‌تر، رابطه روزمره انسان‌ها با انسان‌های دیگر، در جامعه‌ای که برای بازار تولید می‌کند، همخوانی دقیق وجود دارد». (گلدمن، ۱۳۷۱: ۲۹)

وی رمان را حماسه‌ای ذهنی می‌داند که نویسنده در آن خواستار ترسیم جهان به شیوه خاص خود است. لوکاچ نیز در تحلیل خود از دو دنیای حماسه و تراژدی می‌گوید: «با توسل به یکی از انگاره‌های لوکاچ می‌توان گفت که میان ادبیات

دوران کودکی و جوانی آدمی که حماسه نام دارد و ادبیات آگاهی و مرگ که تراژدی می‌نامندش، رمان شکل ادبی بلوغ مردانه است». (لوکاچ، ۱۳۸۰: ۱۸۱) از نگاه گلدمن «رمان همانا سرگذشت جست‌وجوی ارزش‌های راستین به شیوه‌ای تباه در جامعه‌ای تباه است، تباهی‌ای که در مورد قهرمان اثر، اساساً با میانجی‌گری و کاسته شدن ارزش‌های راستین به سطح ضمنی و نابودی آنها به عنوان واقعیت‌های آشکار، جلوه‌گر می‌شود». (گلدمن، ۱۳۷۱: ۲۸) رمان متعلق به دنیای حماسی است، اما هنگامی جایگزین حماسه می‌شود که معنای زندگی تردیدآمیز و پرسش‌انگیز شده است؛ در این هنگام نثر جای شعر حماسی را می‌گیرد و خود شعر نیز غنایی می‌شود. آن‌گاه فرد مسئله‌دار (پروبلماتیک) در دنیایی بی‌اهمیت و تباه نمودار می‌گردد: «رمان حماسه دنیای بی‌خداست». (ایوتادیه، ۱۳۷۷: ۹۹)

گلدمن پس از پژوهش‌های بسیار روش خود را ساخت‌گرایی تکوینی نامید. در این روش که ابتدا اثر ادبی مورد بررسی قرار می‌گیرد، تأکید بسیاری بر رابطه اثر ادبی با ساختار اقتصادی - اجتماعی وجود دارد.

همسایه‌ها اولین رمان احمد محمود است که روایتگر سال‌های ملی شدن صنعت نفت و اشغالگری نیروهای انگلیسی در شهر اهواز است. نویسنده خود متولد اهواز است و همین نکته باعث شده تا در پردازش رفتارهای مردم، آداب و رسوم، توجه به نفت به‌عنوان مهم‌ترین مسئله این شهر، و ساختار جامعه، طبقات مختلف مردم آن دیار که خود نمونه کوچکی از جامعه ایران است، موفق عمل کند.

اهمیت و ضرورت تحقیق

توجه به بعد اجتماعی و تاریخی رمان همسایه‌ها که اثر ادبی ارزشمندی در شناخت دهه ۲۰ تاریخ ایران است با توجه به نقد ساخت‌گرایی تکوینی گلدمن از مهم‌ترین اهداف این تحقیق است. در برخی پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه چندان با نقد عملی روبه‌رو نیستیم؛ بنابراین تلاش شده تا این رمان را به شیوه‌ای درست و نقادانه با توجه به مؤلفه‌های نقد ساخت‌گرایی تکوینی مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

پیشینه تحقیق

از بین پژوهش‌های صورت گرفته درباره جامعه‌شناسی رمان همسایه‌ها، دو پایان‌نامه زیر با مقاله حاضر مرتبط می‌باشد:

۱. قاسمی، مرتضی (۱۳۹۱). «بررسی رمان‌های احمد محمود از منظر ساخت‌گرایی تکوینی»، استادان راهنما: علی‌محمد شاه‌سنی، عصمت اسماعیلی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان. در این رساله هدف پژوهشگر این بوده تا در فصل چهارم، رمان‌های احمد محمود را از منظر ساخت‌گرایی تکوینی بررسی کند اما آن طور که باید و شاید حق مطلب ادا نشده است. در مجموع صفحات کمی به همسایه‌ها تعلق گرفته است.

۲. نارویی، فاطمه (۱۳۹۱). «تحلیل جامعه‌شناختی رمان‌های احمد محمود»، استاد راهنما: محمدعلی محمودی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان. پژوهشگر در پردازش نظریات جامعه‌شناسی رمان موفق عمل کرده است و در

تلاش بوده تا به صورتی کلی، و نه مجزا، رمان‌های محمود را مورد نقد و بررسی قرار دهد.

مفاهیم اساسی در روش گلدمن

الف) ساختار معنادار

مفهوم ساختار معنادار را برای اولین بار گلدمن مطرح کرد. به عقیده وی واژه ساختار طینی ایستا دارد و این باعث نامفهوم باقی ماندن آن می‌شود. در زندگی واقعی ما با فرآیندهای ساخت‌گیری درگیریم نه با ساختار؛ و در مجموع این فرآیندهای ساخت‌گیری را می‌توان با ساختارهای ذهنی طبقه‌ای اجتماعی و نه ساختار ذهنی افراد مرتبط کرد. «ساختار معنادار از نظر گلدمن جهان اثر ادبی است که برای پاسخ‌گویی به یک موقعیت خاص آفریده شده است و محقق با درون‌فهمی به آن دست می‌یابد». (طلوعی و رضایی، ۱۳۸۶: ۶) این مفهوم «نه تنها مستلزم وحدت اجزا در یک کلیت و وجود رابطه متقابل میان این اجزا است، بلکه در عین حال گذار از نگرشی ایستا به نگرشی پویا و اتحاد میان تکوین و کارکرد را نیز ایجاب می‌کند، به گونه‌ای که گویی با نوعی فرآیند ساخت‌گیری روبه‌رو هستیم که مکمل فرآیند ساخت‌شکنی (ساختارهای قدیمی) است.

مفهوم ساختار معنادار، ابزار اصلی پژوهش درباره بیشتر رویدادهای گذشته و حال است. با این همه، چنین به نظر می‌آید که باید برخی از بخش‌های واقعیت را به مفهوم ساختار محدود کرد و این در صورتی است که نه قادر باشیم امر ضروری را از تصادفی جدا سازیم و نه این

بنابراین، چون این فاعل‌ها در اجتماع به وجود می‌آیند، جدای از جامعه و روابط اجتماعی بین فردی، قابل درک و تشریح نیست. به عبارت دیگر هر پدیده هنری و ادبی دارای یک آفریننده فردی است و نمایانگر اندیشه و رفتار خالق آن است، اما این از تفکر و اندیشه سایر افراد آن جامعه‌ای که هنرمند در آن زندگی می‌کند، جدا نیست. بنابراین پدیده ادبی از رهگذر روابط افراد یک جامعه مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد و درک می‌شود. (گلدمن، ۱۳۸۲: ۱۰۰)

د) جهان‌بینی

«جهان‌نگری مجموعه‌ای از اندیشه‌هاست که در اوضاعی معین بر گروهی از انسان‌ها که در موقعیت اقتصادی و اجتماعی همانندی به سر می‌برند، یعنی بر طبقات اجتماعی، تحمیل می‌شود». (همان: ۲۵۱) با این توضیح می‌توان گفت جهان‌بینی، همان آگاهی طبقاتی یا آگاهی جمعی است که پیشتر لوکاج آن را مطرح کرده بود. پس به مجموعه افکار و اندیشه‌هایی که اعضای گروه و افراد طبقه‌ای را به هم پیوند می‌زند و آنها را از گروه یا طبقه دیگری جدا می‌کند، جهان‌بینی می‌گویند. وحدت و یکپارچگی هر اثر ادبی بسیار به این جهان‌بینی بستگی دارد، به این معنا که نویسنده برجسته با اطلاع از خواسته‌ها و اندیشه‌های گروهی که در آن زندگی می‌کند، با بیشترین آگاهی ممکن خود به جهان‌بینی موجود وحدت می‌بخشد. در مجموع میان کلیت اثر ادبی و وضعیت اجتماعی دوره‌ای که اثر در آن خلق

بخش‌ها را در ساختارهای گسترده‌تری ادغام کنیم». (گلدمن، ۱۳۷۶: ۵۹)

ب) کلیت

در نظر گلدمن «کلیت» مقوله‌ای کاملاً دیالکتیکی است و همین مسئله نیز بنیان اندیشه گلدمن را تشکیل می‌دهد. «کلیت نه به یک الگوی نظری، انتزاعی و صوری، بلکه به واقعیت تاریخی ساخت‌پذیر برمی‌گردد. کلیت، فرآیندی پیوسته است و همان فاعلی که در پی «ساختن» نظری این کلیت است، عنصری از این فرآیند است: با تمام وجود در آن شرکت می‌کند. در نتیجه این امر، اصلی اساسی به دست می‌آید که شیوه دیالکتیکی را از تمام دیگر شکل‌های اندیشه قاطعانه جدا می‌کند: نگاه بیرونی به واقعیت، امکان‌ناپذیر است». (همان: ۲۵) بنابراین کلیت مقوله‌ای روش‌شناختی است. فرآیندی است دیالکتیکی که به واقعیت تاریخی مربوط می‌شود.

ج) فاعل فرافردی (جمعی)

فاعل‌های فرافردی‌ای که در جامعه زندگی می‌کنند، خانواده، صنف‌های شغلی، انجمن‌ها و گروه‌های دوستانه هستند. این گروه‌ها خالق اصلی آثار ادبی‌اند. گلدمن در مرحله نخست فاعل جمعی و فاعل فرافردی را آفریننده راستین محصولات فرهنگی به خصوص آثار ادبی می‌داند. بنابراین در بررسی‌های جامعه‌شناختی، عناصر معنادار به صورت پدیده‌هایی کاملاً اجتماعی و نه فردی مطرح می‌شوند. (فراروتی، ۱۳۷۷: ۲۲۴)

هنر بیان شود». (گلدمن، ۱۳۸۲: ۳۹) پس مفهوم آگاهی ممکن هم با جهان‌بینی و آگاهی طبقاتی قرابت دارد. البته مجموعه آگاهی‌های ممکن یک طبقه جهان‌بینی آن گروه را تشکیل می‌دهد.

ز) طبقه اجتماعی

طبقه اجتماعی نقش بسیار مهمی در تحولات تاریخی و آفرینش فرهنگی ایفا می‌کند. گروه‌هایی که هدف عمل و آگاهی آنان، ساخت‌آفرینی کل جامعه و در نتیجه، ساخت‌آفرینی مجموعه روابط میان انسان‌ها و روابط انسان‌ها با طبیعت است. این گروه‌ها همان طبقات اجتماعی هستند، که زیربنای جهان‌بینی را نیز فراهم می‌کنند. (لنار، ۱۳۷۷: ۸۶-۸۵)

ساخت‌گرایی تکوینی

الف) نقد ساخت‌گرایی تکوینی

لوسین گلدمن روش خود را «ساخت‌گرایی تکوینی» نامید. «ساختار یعنی نظام»؛ هر نظام و سیستمی از اجزای به هم پیوسته‌ای تشکیل شده که به هم مربوط هستند. بنابراین همه اجزاء بر روی هم تأثیرگذارند و باید در ارتباط با یکدیگر درک شوند. «به همین جهت، کل نظام، بدون درک کارکرد اجزاء، قابل درک نیست. پس ساخت‌گرایی یک نظام فلسفی نیست، بلکه یک شیوه درک و توضیح است. در ادبیات، منظور از ساخت‌گرایی بیشتر به معنای نظامی است که بر پایه زبان‌شناسی ساختاری استوار است. وظیفه نقد ساختاری از سه مرحله تشکیل می‌شود: ۱. استخراج اجزاء ساختار اثر؛ ۲. برقرار ساختن ارتباط موجود بین این اجزاء؛ ۳. نشان دادن دلالتی که در کلیت ساختار اثر

شده، مطابقت وجود دارد و وظیفه منتقد ساختارگرا کشف این مطابقت و تحلیل آن است. (گلدمن، ۱۳۸۲: ۱۳-۱۲)

ه) دیالکتیک

گلدمن مفهوم دیالکتیک را از مارکس گرفت. آدمی به‌عنوان موجودی اجتماعی که در دنیایی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و مذهبی زندگی می‌کند، به‌طور طبیعی و ناخودآگاه از این جهان تأثیر می‌پذیرد و نیز تأثیر می‌گذارد؛ به این رابطه دیالکتیک می‌گویند. (گلدمن، ۱۳۸۲: ۲۰) اما اصل بنیادین اندیشه دیالکتیکی چیست؟ «اصل بنیادین اندیشه دیالکتیکی آن است که شناخت پدیده‌های تجربی تا هنگامی انتزاعی و سطحی باقی می‌ماند که از رهگذر گنجانده شدن در مجموعه‌ای که امکان فراروی از پدیده جزئی و انتزاعی برای رسیدن به گوهر انضمامی و به‌طور ضمنی معنای آن را فراهم می‌آورد، حالت انضمامی نیابد. بر مبنای این اصل، ما نمی‌پنداریم که اندیشه و آثار نویسنده‌ای را بتوان به خودی خود، با ماندن در عرصه نوشته‌ها و نیز عرصه خواندن‌های گوناگون و اثرپذیری‌های مختلف، درک کرد». (گلدمن، ۱۳۷۶: ۱۹۳)

و) آگاهی ممکن

آگاهی ممکن متعلق به یک طبقه اجتماعی است و «افق میدان دید» آن گروه را در جامعه نشان می‌دهد. همچنین «حداکثر آگاهی ممکن یک طبقه اجتماعی همیشه یک جهان‌بینی تشکیل می‌دهد که از دیدگاه روانشناسی منسجم است و ممکن است به صورت مذهب، فلسفه، ادبیات یا

اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کند. بنابراین هر اثر ادبی نمایانگر جهان‌بینی گروهی است که اثر ادبی در آن به وجود آمده است. ساخت‌گرایی تکوینی در مجموع بررسی ساختار اجتماعی - تاریخی دوره‌ایست که در محتوای اثر ادبی به آن پرداخته می‌شود. بنابراین هدف اصلی در این روش یافتن پیوندهای میان متن (ادبی یا فلسفی) و جهان‌بینی بر پس‌زمینه تاریخی آنهاست. گلدمن می‌کوشد نشان دهد چگونه موقعیت تاریخی یک گروه یا طبقه اجتماعی به میانجی‌گری جهان‌بینی آن طبقه در ادبیات انعکاس می‌یابد (علایی، ۱۳۸۰: ۲۷)؛ پس هر اثر ادبی از آن‌رو که ساختار اجتماعی و تاریخی دوره‌ای را در خود منعکس می‌کند، سند تاریخی مهمی در بررسی و تحلیل دورانی از جامعه محسوب می‌شود. «گلدمن درباره بررسی اندیشه‌ها می‌نویسد که می‌توان دو فرآیند شناختی مکمل را در جریان تحلیل تشخیص داد: فرآیند دریافت و فرآیند تشریح.

به بیان ساده می‌توان گفت که توصیفِ انسجامِ درونیِ یک ساختار (به عنوان مثال یک اصل یا یک اندیشه پاسکال) به دریافت این ساختار، به تعریف درونی آن می‌انجامد. اما برای تشریح این ساختار، باید به ناگزیر آن را به ساختارهای فراگیر پیوند داد: نخست به تمامی متنِ اندیشه‌ها» (زیما، ۱۳۷۷: ۱۴۵)، به عبارت دیگر در مرحله دریافت، اثر ادبی در ساختار خود اثر درک می‌شود و در مرحله تشریح اثر را در ساختار اجتماعی، تاریخی و اقتصادی آن در جامعه توضیح می‌دهیم. از دیدگاه توضیح، اساس

هست. به همین جهت، در نقد ساختاری، برعکس نقد سنتی دانشگاهی که ارتباطی بین اجزاء یافته برقرار نمی‌شود، پیوسته سخن از «کلیت» اثر است، و از این‌رو، نقد ساختاری را نقد کلیت هم می‌خوانند. ابزار اصلی نقد ساختاری دانشی است به نام «نشانه‌شناسی» که کارش بازشناسی پیکره‌های دلالت‌گر است. نقد ساختاری شعبه‌های گوناگونی دارد: اگر به ارزش سیاسی - اجتماعی واژه‌ها بپردازد، ساخت‌گرایی معناشناختی است، اگر روابط ساختار اثر را با رویدادهای زندگی فردی و ساختار روانی نویسنده بسنجد، ساخت‌گرایی روانشناختی خواننده می‌شود و اگر به هم‌ارزی مسائل اجتماعی - اقتصادی با ساختار اثر توجه کند، ساخت‌گرایی تکوینی نام می‌گیرد.» (گلدمن، ۱۳۸۲: ۱۰-۹)

ساخت‌گرایی تکوینی گلدمن از دو منبع ترکیب شده است که اولی مارکسیسم جورج لوکچ و دومین آن شناخت‌شناسی ژان پیاژه، روانشناس سوئیسی بود. (رضی و دیگران به نقل از کوهن، ۱۳۹۲: ۹۳۷) ساخت‌گرایی تکوینی به محتوا توجهی نشان نمی‌دهد، بلکه در مرحله اول ساختار جهان اثر را مورد بررسی قرار می‌دهد، سپس به جهان‌بینی موجود در آن و وحدت و یکپارچگی اثر ادبی توجه می‌شود. تاکنون در پژوهش‌های ساخت‌گرایی تکوینی کل اثر ادبی را مورد بررسی و تحلیل قرار نداده‌اند. (گلدمن، همان: ۹۲) گلدمن به تکوین ساختار اثر ادبی توجه دارد. به عقیده وی اثر ادبی به یک گروه تعلق دارد نه تنها به یک نفر (به نام نویسنده)؛ و این طبقه اجتماعی خود عضوی از ساختار

کار در این نکته است که اثر ادبی مهم، نه انحصاراً بلکه ضرورتاً، جهانی منسجم و ساخته است و این ساختار نه یک آفرینش فردی، بلکه آفرینش جمعی کاربردزای آبرفردی و ممتاز است. این سخن بدین معناست که درک، که پیش از هر چیز عبارت از روشنگری وحدت ساختار اثر است، با بررسی جامعه‌شناختی بسیار آسان‌تر به دست می‌آید تا با بررسی روان‌شناختی یا حتی با پژوهشی کانونی، مربوط به ماهیت درونی اثر. (گلدمن، ۱۳۸۲: ۹۱-۹۰)

با توجه به توضیحاتی که درباره ارتباط اثر ادبی با جامعه ارائه شد، بررسی پدیده ادبی و هنری جدا از ساختار جامعه‌ای که در آن به وجود آمده، بیهوده و غلط است و به جایی راه نمی‌برد. تلاش برای این کار «همان‌قدر بیهوده است که بکشیم نه به طور موقت و به اقتضای تحلیل، بلکه به شیوه‌ای بنیادین و پایدار، واژه را از جمله یا جمله را از گفتار، بیرون کشیم. نپذیرفتن چنین امری مستلزم پذیرفتن آن است که بررسی درست گفتار، از طریق جدا کردن آن از فرد گوینده یا جدا کردن گوینده از روابط اجتماعی - تاریخی پیرامون او، ناممکن است. بنابراین هرگونه دوگانگی یا چندگانگی قاطع یا حتی نیمه قاطع در شیوه نگرش به عرصه‌های متفاوت رفتار انسانی به نظر من ابطال‌پذیر و پیشاپیش محکوم است که به تصویری ناقص و ناساز از این واقعیت بینجامد». (گلدمن، ۱۳۷۷: ۲۰۱)

برخلاف ساخت‌گرایی غیرتکوینی که زبان، ساختار و مناسبات تولیدی را فاعل می‌داند، از نظر گلدمن این انسان‌ها هستند که در مجموعه‌ای

از مناسبات ساختارمند درگیرند و تاریخ را می‌سازند؛ انسان‌ها هستند که در یک کردار سراپا ساختارمند، زبان را می‌آفرینند؛ انسان‌ها هستند که در مناسبات تولیدی برخوردار از ساختاری مشخص عمل می‌کنند، واقعیت را دگرگون می‌سازند و مناسبات تولیدی و ساختارها را تغییر می‌دهند. پس ساختارهای گذشته، حاصل پیشین انسان‌ها، یعنی عمل فاعلی معین هستند و در پی عمل کنونی انسان نیز دگرگون می‌شوند. این ساختارها برای عمل کنونی خصلتی ضروری دارند (و داده‌های بیرونی و مستقل به حساب نمی‌آیند). پس تاریخ، محصول کردار فاعل‌های انسانی جمعی است. (گلدمن، ۱۳۷۶: ۴۱)

ب) مقدمات ساخت‌گرایی تکوینی

اگر بخواهیم از آنچه تاکنون درباره ساخت‌گرایی تکوینی ذکر شد، خلاصه‌ای بیان کنیم، باید گفت که ساخت‌گرایی تکوینی، روش لوسین گلدمن است. این روش که ادامه کار لوکاچ و نقد مارکسیستی است، رابطه جامعه و اثر هنری را به شیوه‌ای دقیق و ساختارمند مورد بررسی قرار می‌دهد. در اینجا می‌توان به طور خلاصه به پنج مقوله مهم در روش گلدمن اشاره کرد: ۱. رابطه زندگی اجتماعی با اثر هنری به آگاهی اجتماعی مربوط می‌شود؛ ۲. یک فرد (هنرمند) به تنهایی نمی‌تواند خالق اثر هنری باشد، پس آفریننده اثر ادبی فاعل ابرفردی (جمعی) است؛ ۳. رابطه میان ساختار فرهنگی طبقه اجتماعی و ساختار اثر ادبی، معنادار است و بین آنها همخوانی وجود دارد؛ ۴. وحدت و انسجام اثر ادبی ویژگی

صنعت نفت. بنابر گفته باقری در گفت‌وگویی که با وی داشته است، جوانی محمود «در دوره‌ای گذشته که جنگ جهانی دوم با پیروزی متفقین خاتمه پیدا کرده است. یعنی در واقع، نیروی مظلومان جهان برای اولین بار جایی توانسته بود نفسی بکشد و بگوید که من هستم. درست تحت تأثیر آن جریان که جریانی جهانی بود، در داخل هم این امکان پیدا شد که برای اولین بار در تاریخ کشورمان، طبقات محروم هم از درون خودشان نویسندگان و هنرمندانی پرورش بدهند که آنها بر مبنای شرایط زندگی خودشان، نه به شکل مکانیکی و نه بر مبنایی که تصمیم گرفته باشند، در واقع همراه آن مردمی که در آن دوره تاریخی بلند شده بودند که از حقوق خودشان دفاع بکنند، اینها هم روشنفکران وابسته به آن طبقه بودند». (باقری، ۱۳۸۱: ۳۱۴) در ادامه گفته‌های باقری، محمود حرف‌های وی را تصدیق کرده می‌گوید که تحت تأثیر جریان حزب توده، تنها جریانی که مدافع حقوق کارگران بود، و نیز شرایط اجتماعی جامعه‌ام می‌نوشتیم. (همان)

نقد ساخت‌گرایی تکوینی رمان همسایه‌ها

لوسین گلدمن پس از لوکاچ تلاش کرد نقد مارکسیستی را اصلاح و احیا کند و روش جدیدی را به نام ساخت‌گرایی تکوینی پایه گذاشت. در این نوع نقد همان‌طور که در بخش مبانی نظری آمد، به ساختار اثر در ارتباط با زمینه اجتماعی و سیاسی حاکم بر دوره‌ای که اثر در آن به وجود آمده است، پرداخته می‌شود. درواقع

منحصر به فرد روش ساخت‌گرایی تکوینی است. زمانی که رابطه آگاهی گروه اجتماعی و جهان‌بینی ساختار اثر بیشتر و دقیق‌تر باشد، اثر ادبی منسجم‌تر است. گلدمن خود واژه «کلیت» را در این مورد به کار می‌برد؛ ۵. ساختارهای حاکم بر آگاهی جمعی و منعکس‌شده در ذهن هنرمند فرآیندی کاملاً ناآگاهانه است.

درباره احمد محمود

احمد محمود را نماینده رئالیسم اجتماعی می‌دانند. همان‌طور که در زندگی‌نامه‌اش آمده است از همان جوانی، ناخواسته درگیر سیاست و مبارزه شد، به زندان افتاد و تبعید شد و پس از تبعید برای گذران زندگی و امرار معاش شغل‌های گوناگونی را تجربه کرد. زندگی محمود با سرگذشت قهرمان همسایه‌ها شباهت‌های بسیاری دارد. وی در جوانی عضو سازمان جوانان حزب توده بود، اما هیچ شناختی از آن نداشت؛ همان‌طور که خالد، قهرمان رمانش به طور کاملاً اتفاقی با یکی از افراد حزب آشنا می‌شود و پس از آن به خاطر مبارزات سیاسی‌اش به زندان می‌افتد.

محمود طی سال‌های ۱۳۲۳ تا ۱۳۳۱ (زمان وقوع رخداد‌های رمان همسایه‌ها) دوران نوجوانی و جوانی خود را سپری می‌کند: دوران هجوم متفقین به ایران، حضور نیروهای انگلیسی در جنوب، رشد اندیشه‌های مارکسیستی، شکل‌گیری احزاب مختلف از جمله حزب توده در ایران، اعتصاب کارگران پالایشگاه با هدف ملی‌شدن

هم‌ارزی مسائل تاریخی - اجتماعی با ساختار اثر ادبی و هنری را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد. همچنین به تاریخ و تحولات تاریخی‌ای که تأثیر بسیاری در جامعه و ساختار سیاسی و اقتصادی دولت دارد، توجه می‌کند.

گلدمن در مقدمه بررسی رمان‌های مالرو از سه دوره نگارش رمان سخن می‌گوید: اول رمان غیرزندگی‌نامه‌ای که رمان بدون شخصیت است و فردگرایی و بازار آزاد را پشت سر گذاشته است. دوم رمان قهرمان پروبلماتیک است و برعکس مورد اول به ارزش زندگی فردی وابسته است و با ساختارهای اجتماعی و اقتصاد آزاد انطباق دارد. دوره سوم را دوره گذار می‌نامد و آن را مابین دوره اول و دوم قرار می‌دهد. در این دوره، از طرفی «بنیاد اقتصادی و اجتماعی فردگرایی» نابود شده و نویسنده نمی‌تواند با وجود داشتن قهرمان پروبلماتیک بین ساختار رمان با واقعیتی که در بیرون وجود دارد ارتباط برقرار کند. از طرفی دیگر، تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه به مرحله‌ای نرسیده است که شرایط تبلور رمان بی‌شخصیت فراهم شده باشد. با توجه به این توضیحات باید گفت همسایه‌ها در رده رمان‌های قهرمان پروبلماتیک قرار می‌گیرد.

در بررسی این قبیل رمان‌ها همان‌طور که قبلاً بدان اشاره داشتیم، پرداختن به زندگی قهرمان رمان کافی نیست، بلکه رمان باید با در نظر گرفتن زمینه اجتماعی و تاریخی مورد تحلیل قرار گیرد.

گلدمن در روش خود دو مرحله را برای بررسی اثر ادبی معرفی می‌کند؛ مرحله اول

دریافت و درک اثر ادبی و توجه به ساختار آن است. در مرحله دوم ساختار اثر ادبی را در ارتباط با ساختار اجتماعی - تاریخی جامعه مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و این مرحله را تشریح و توصیف می‌نامد. تلاش ما بر این است تا در ادامه رمان همسایه‌ها را براساس دو مرحله دریافت و تشریح، تحلیل کنیم.

مرحله اول: دریافت

در این مرحله به توصیف انسجام درونی اثر ادبی پرداخته می‌شود؛ یعنی اثر ادبی در ساختار خود مورد بررسی قرار می‌گیرد. بدین ترتیب ابتدا به شخصیت‌های داستان می‌پردازیم، سپس محیط‌های جدیدی را که در رمان برای خواننده توصیف می‌شود، بررسی خواهیم کرد و پس از آن نیز به آگاهی‌های فردی و اجتماعی راوی قهرمان می‌پردازیم.

الف) موضوع رمان

طرح کلی کتاب گذار شخصیت اصلی، خالد، از نوجوانی بی‌اطلاع از دنیای پیرامون خود، به جوانی حزبی و سیاسی است. نویسنده با قرار دادن قهرمان داستانش در موقعیت‌های مختلف و آشنایی با آدم‌های متفاوت سعی در نشان دادن تحول و رشد و استحاله قهرمانش دارد. به عقیده زنوزی جلالی «او نویسنده‌ای هوشمندتر از اینها بود که بخواهد عین این کارهای ژورنالیستی، یک‌شبه آدم داستانش را متحول کند که اگر چنین می‌کرد، بی‌گمان از واقع‌نمایی اثرش می‌کاست».

(زنوزی جلالی، ۱۳۸۶: ۱۶۶)

خانم و مادرش) خود درخور بحثی جامعه‌شناسانه است که چطور همه چیز، از جزئی‌ترین مسائل (مثل سلیقه افراد)، تا چه حد از اقتصاد و اجتماع و فرهنگ تأثیر می‌پذیرد. هر دو زن در یک جامعه و در یک خانه که خود نمونه جامعه‌ای کوچک است، زندگی می‌کنند، اما تفاوت فکری و فرهنگی و نیز اوضاع مالی خانوادگی‌شان و تأثیر آن بر رفتارهای‌شان کاملاً مشهود است. او خیابان حکومتی (بالاشهر) را نیز با خیابان خودشان (پایین‌شهر) مقایسه می‌کند (همان: ۴۸)؛ حتی وقتی بزرگ‌تر و باتجربه‌تر هم می‌شود، ذهنی تحلیل‌گر و مقایسه‌ای دارد. مقایسه حرف زدن بانو و سیه‌چشم (همان: ۱۸۱، ۲۰۲) و نیز مقایسه قهوه‌خانه امان‌آقا با قهوه‌خانه شکوفه. (همان: ۲۰۶)

خالد به علت شکستن شیشه خانه غلامعلی‌خان پایش به کلانتری باز می‌شود و همین اتفاق ناخواسته و غیرعمدی، شروع شناخت خالد از جامعه‌ای غیر از خانه همسایه‌ها را موجب می‌شود. تا قبل از آن، با همبازی‌هایش، ابراهیم، حسنی، امید، و دیگران در همان خانه یا نهایتاً کوچه و خیابان اطراف خانه‌شان بازی می‌کردند، اما پس از آن اتفاق، اول با محیط کلانتری آشنا می‌شود و سپس برای بردن پیغام به کتاب‌فروشی مجاهد می‌رود. خالد کتاب‌فروشی را بلد است اما تا به حال به آنجا که یک محیط فرهنگی است، پا نگذاشته است. دلیلش هم واضح است؛ تا کلاس چهارم بیشتر اجازه درس خواندن نداشته و اصلاً کتاب در زندگی‌اش جایگاهی نداشته، پس طبیعی است که چنین محیطی را نمی‌شناسد.

موضوع رمان استخراج و غارت نفت و سرکوبی انقلابیون است. هدف نویسنده هم همین بوده که خواننده این سرانجام را برای انقلابیون و قهرمان اصلی رمان پیش‌بینی کند و در فضای داستانی نیز کودتای مرداد ۳۲ را پیش‌گویی می‌کند (نویسنده در *داستان یک شهر* به کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و وقایع پس از آن می‌پردازد). همسایه‌ها روایتگر شکست مبارزان سیاسی و معترضان است. همچنین پیوند میان قهرمان پروبلماتیک، خالد، با حزب و تشکیلاتی است که به واسطه آشنایی با آنها و شناخت تدریجی دنیای پیرامونی و فراتر از آن، به زندگی خود معنایی راستین دهد. مرگ، اعتراض، اعتصاب، زندان، رابطه بین زنان و مردان از عناصر اصلی رمان همسایه‌هاست.

ب) تحلیل شخصیت‌های داستان

۱. خالد: خالد در آغاز، نوجوانی ۱۲ ساله است. در این سن و سال همواره در حال مقایسه وضعیت خود و خانواده‌اش با دیگران است. خودش را با ابراهیم مقایسه می‌کند. اتاق خودشان را با اتاق بلور خانم و آن تزئینات. (محمود، ۱۳۵۷: ۲۲) حرف‌های پدرش و حاج شیخ علی را مثل هم و در مقابل حرف‌های عمو بندر، بیدار و محمّد مکانیک می‌گذارد. (همان: ۱۲۶) خانه سرهنگ و بطری‌های مشروبشان را با بطری‌های مشروب امان‌آقا مقایسه می‌کند. (همان: ۲۲) نکته قابل توجه در توصیف اتاق بلور خانم که به طور ناخودآگاه با اتاق خودشان مقایسه می‌کند و تفاوت سلیقه این دو زن (بلور

جدید و متفاوت از خانه‌شان پا می‌گذارد. در آنجا همه‌جور آدم می‌بیند. از دهان هر کدام خبرهای جدید از وضعیت مملکت می‌شنود. چون کنجکاو است، به حرف‌ها می‌اندیشد تا منظور آنها را بفهمد و کم نیورد و بتواند دو کلمه‌ای اظهار نظر کند. پندار و شفق هم با دادن کتاب‌هایی مثل هدف ادبیات، چگونه فولاد آبدیده شد، و کتاب‌هایی به اندازه کف دست، در بالا بردن آگاهی و شناختِ خالد کمک بزرگی به رشد و تحوّل وی می‌کنند.

نویسنده بسیار اصرار دارد بگوید که قهرمانش کاملاً ناخواسته وارد دنیای سیاست می‌شود، حتی در مأموریت اوّل پخش اعلامیه، قبول کردن این مسئولیت را لجبازی با پاسبان و مردانگی در عالم رفاقت می‌نامد. «سُخَب، چی میگی؟ نمی‌خواهم بگویم «نه». انگار دلم می‌خواهد از لُج غلام‌علی‌خان هم که شده، با بیدار همکاری کنم. از لُج آن گروه‌بان کوتاه‌قامت که تو دالان کلاتتری زد بیخ گوشم و پرت شدم و سرم به دیوار کوفته شد... و تازه وقتی که این‌طور به من اعتماد کرده باشند، از مردانگی دور است که کمکشان نکنم» (همان: ۱۱۹)؛ حال آنکه سیاست پدر و مادر نمی‌شناسد و هیچ تناسبی با مردانگی و رفاقت ندارد، اما معنای آن این است که راوی نادان، متوجه نیست که به چه دنیایی پا گذاشته است. محمود می‌خواهد که به خواننده‌اش بفهماند کسانی که عضو می‌شدند هیچ شناختی از حزب نداشته‌اند. در واقع باید گفت امکان شناخت حزب وجود نداشته و یا اینکه چون تماماً تقلید از کمونیسم روسیه بوده هیچ چیزی برای شناخت وجود نداشته است.

خالد مدتی نیز به مغازه آهنگری پدرش می‌رفت، اما پشیمان شد و دیگر نرفت. به غیر از او، حسنی، پسر رحیم خرکچی نیز، شغل پدرش را ادامه می‌دهد. کودکان هیچ‌گونه حقی در تصمیم‌گیری برای درس خواندن ندارند. پدر هم که از عالمان دینی دستور می‌گیرد، به فرزندش اجازه درس خواندن نمی‌دهد: «اوسا حداد، خالد درس می‌خونه؟ - بله آقا مدرسه میره. حاج شیخ‌علی شربت بیدمشک را مزه مزه می‌کند و می‌گوید: - کلاس چندمه؟ پدر می‌گوید: از دولتی سر شما، کلاس چارمه آقا. حمد و سوره رو می‌تونه بی‌غلط بخونه؟ - قربانت برم آیت الکرسی رو هم بی‌غلط می‌خونه. حاجی شیخ‌علی شربت بیدمشک را سرمی‌کشد و می‌گوید: - خب پس دیگه بسه. - یعنی دیگه مدرسه نره؟ - اوساحداد، مرد اونه که وختی با پنجه بزنی رو گردهش گرد و خاک بلند شه... مته خودت، مؤمن و با خدا. پدرم جابه‌جا می‌شود و باز می‌گوید: - یعنی می‌فرمایی که... - بله اوساحداد، درس زیاد، آدمو سر به هوا می‌کنه» (همان: ۱۶ و ۱۹۰)؛ و نداشتن اختیار و قدرت انتخاب و نیز نداشتن چاره‌ای جز ادامه کار پدر، اینها همه دلیلی بر این مدعاست که فرزندان به پدرانشان شبیه می‌شوند و در چنین جوامع منفعل و ایستایی این چرخه ادامه دارد. جبر حاکم بر شرایط جامعه و افراد تحت سلطه، قدرت انتخاب و تصمیم‌گیری را از انسان‌ها می‌گیرد. همه افراد جامعه تحت سلطه نظام حاکم هستند، اما ظلم و ستم بیشتر متوجه طبقه فقیر و سطح پایین جامعه است. راوی قهرمان با کار در قهوه‌خانه امان‌آقا به محیطی

قهرمان رمان است، اما درست برعکس در صفحه پایانی رمان، محمود قهرمان رمانش را به دست نظام وظیفه که آن هم حکم زندان دارد، می‌سپارد. محمود در تلاش است تا آنچه واقعیت دارد را برای خواننده‌اش به تصویر بکشد، نه آنچه خواننده را دوست دارد.

زندگی خالد مدام در حال تغییر و رشد است. مثل پاول، قهرمان رمان چگونه فولاد آب دیده شد و همچنین پلاگه قهرمان رمان مادر؛ بدین معنی که ساختار رمان نیز از ساختار ایده‌های مارکسیستی پیروی می‌کند. تا وقتی که خالد در جامعه حضور پیدا نکرده منفعل است و به‌نوعی گوش به فرمان همه افرادی است که با آنها در ارتباط است. به حرف پدرش گوش داده به آن عمل می‌کند؛ همین‌طور حرف امان‌آقا در قهوه‌خانه را. حرف‌های بلورخانم را باور می‌کند و به خواسته‌هایش تن درمی‌دهد. اما وقتی وارد اجتماع می‌شود به‌مرور تبدیل به آدمی عمل‌گرا می‌شود و دیگر مطیع آن افراد نیست؛ اگرچه اکنون هم از پندار و بیدار خط می‌گیرد اما در مجموع هدفی دارد و برای زندگی‌اش معنایی یافته و در پی آن است و رو به سوی استقلال دوره جوانی دارد.

۲. پدر خالد: اوسا حداد آهنگرست و به خاطر کسادبازاری آن روزها، خانه‌نشین شده است. بسیار مذهبی است، نماز می‌خواند و نماز خواندن را به پسرش هم گوشزد می‌کند. (محمود، ۱۳۵۷: ۱۵) برای انجام امور زندگی با علما مشورت می‌کند. (همان: ۲۰-۱۵). به توصیه یکی از همین علما نمی‌گذارد پسرش درسش را ادامه

خالد قهرمان پروبلماتیک رمان است. او در پی آرمان‌ها و اهدافش به مبارزه برمی‌خیزد، اما از طرف نیروهای حکومت سرکوب می‌شود و به زندان می‌افتد. وی در زندان نیز دست از تلاش برنمی‌دارد، اما باز هم سرکوب و به انفرادی منتقل می‌شود. پس از گذشتن روزهای آخر در انفرادی وقتی از زندان آزاد می‌شود به دست مأموران نظام وظیفه می‌افتد و به‌ناچار قدم به زندان دیگری می‌گذارد. از واژه زندان برای سربازی استفاده کردیم، به دلیل اینکه خدمت در نظام وظیفه برای حکومتی که منتقد و مخالف آن هستی، زندان محسوب می‌شود. سرنوشتی که نویسنده برای قهرمانش رقم می‌زند اصلاً خوب نیست، تمامی هدف و آرمانش برای سرکوبی ظلم نظام حاکم بی‌نتیجه می‌ماند. شکست می‌خورد و سرخورده و مأیوس به خدمت سربازی فرستاده می‌شود. البته در فکر نویسنده، این پایان سرنوشت خالد نیست و زندگی او در رمان دیگری (داستان یک شهر) پیش روی خواننده قرار می‌گیرد.

در پایان رمان همسایه‌ها، خالد شکست می‌خورد و مجبور است که این شکست را بپذیرد. «در واقع اغلب رمان‌های پروبلماتیک در تاریخ ادبیات با نوعی چرخش و تغییر عقیده که در آن، قهرمان، بی‌هودگی کوشش‌ها و جست‌وجوی پیشین خود را می‌پذیرد، به پایان می‌رسند.» (گلدمن، ۱۳۷۱: ۱۱۶) با توجه به هدف رمان و مبارزاتی که علیه رژیم به مخالفت و اعتراض برخاسته‌اند، خواننده در پایان انتظار دارد این همه مبارزه، به نتیجه برسد و منتظر پیروزی

بدهد. بر دست علما بوسه می‌زند. (همان: ۱۸۹)

بسیار خرافاتی است. برای حلّ مشککش به کتاب دعا و تسخیر اجنه متوسل شده، آنقدر درگیر چله‌نشینی و دعا خواندن است که وقتی پسرش را به کلاتری می‌برند، اصلاً از اتاقش بیرون نمی‌آید. (همان: ۴۴) جامعهٔ مردسالار آن دوران موجبی است تا هرچه او بگوید همان بشود. اگر بچه‌ها کار خطایی انجام دهند، بدون هیچ دلیل منطقی‌ای تقصیر را به گردن مادرشان می‌اندازد. نویسنده او را نمایندهٔ طبقهٔ کارگر زحمت‌کشی می‌داند که هیچ آگاهی‌ای نسبت به حقوق خود ندارد و اکنون به خاطر وضعیت بد اقتصادی کشور مجبورند مغازه‌ها را تعطیل کنند و در خانه بنشینند.

طبقهٔ کارگر ایران اصلاً قابل مقایسه با کارگران روسی قرن بیستم نیست؛ زیرا آنها اطلاع کامل از حقوق خود دارند و برای احقاق حقوق از دست رفته‌شان مبارزه می‌کنند؛ اما در ایران جامعهٔ کارگر بی‌سوادند و به رهبری نیاز دارند تا اعتراضات و اعتصاباتشان را هدایت کنند. «کارگر در رمان‌های ما اغلب کارگر یدی است، در حالی‌که تیپ طبقه‌ای آرمانی پرولتر در رمان‌های رئالیسم سوسیالیستی متعلق به طبقهٔ کارگری است که نه در خود که برای خود باشد: آگاه به منافع طبقاتی خود، همراه با عمل مستقل سیاسی در عرصهٔ اجتماع. این تیپ هرچند انتزاعی است اما حداقل وجود آن در جامعه‌ای محتمل است که سرمایه‌داری در آن استقرار یافته باشد و طبقهٔ کارگرش هم در طول مبارزات اقتصادی - سیاسی و تداوم جنبش کارگری نهادهای خاص خود را به نظام حاکم تحمیل کرده باشد. دست آخر،

چنان جامعه‌ای، تاحدی قطبی شده است و کارگر می‌تواند نشان خود را در عرصهٔ سیاست به وقایع بزند. اما نویسندگان ما (هم به دلیل واقعیت موجود، هم آنکه کارگر مورد نظرشان قائل به چنان استقلال‌ی برای خود و کارگران نیست) وقتی کارگر مورد نظرشان را ... به قالب چنین کارگر آرمانی می‌ریزند، آدمی می‌شود با مشخصات ظاهری پرولتر اما تنها، سرتق و اغلب لمپن و با بینش‌های التقاطی. این آشفتگی فکری چه در قالب و چه در نویسنده، حاصل تحمیل یک قالب بر واقعیت است. در واقعیت ما آدم‌هایی داریم نیمه پرولتر نیمه دهقان، یا شاغل در این حجره و آن دکان، پادوی مغازه‌ای سه در چهار، یا کارگر مغازه‌ای با دو سه شاگرد و غیره. اگر هم در مجتمع‌های بزرگ صنعتی شاغل باشند کمتر به آگاهی و استقلال موردنظر رسیده‌اند. با فرض قبول چنان قالبی برای برگزیده‌ای چند، می‌ماند مسئلهٔ مختصات خاص اینجا: گذشتهٔ تاریخی، زمینه‌های فرهنگی و تداخل هزارویک مسئله مثل وابسته بودن همان مجتمع‌های بزرگ صنعتی». (گلشیری، ۱۳۷۸: ۳۸۱)

اوسا حداد یک چیز را به‌عنوان کارگر این دولت خوب می‌داند و آن اینکه هیچگاه قشر ضعیف جامعه نمی‌تواند از پس دولت بربیاید. (محمود، ۱۳۵۷: ۴۸) وی تا قبل از رفتن به کویت، انسانی معتقد به امور دینی بود و بسیار هم خرافاتی، اما پس از چله‌نشینی و خواندن کتاب‌های اسرار قاسمی و انوار جوهری فهمید که از این طریق نمی‌توان شکم خانواده را سیر کرد؛ بنابراین از اینها روی‌گردان شد و راهی کویت شد.

هم، در ارتباط است و همین باعث می‌شود که تا حدودی طرز تفکرش با دیگر زن‌های همسایه متفاوت باشد. وضع مالی این خانواده به نسبت دیگر همسایه‌ها خوب است. امان‌آقا دوچرخه دارد. در بجه‌خانه اعتصابات کارگران پالایشگاه، برای قهوه‌خانه‌اش رادیو می‌خرد. در تابستان همه همسایه‌ها جلوی خانه‌شان فرش می‌اندازند اما اینها تخت می‌گذارند و روی آن می‌نشینند. خورد و خوراکشان فرق دارد. در مجموع این خانواده در مقایسه با دیگر افراد خانه همسایه‌ها تاحدی آگاهانه رفتار می‌کنند. این زوج نماینده کسانی در جامعه هستند که اگرچه موافق حکومت و سیاست‌گذاری‌های دولت نیستند، اما به این مسائل هم اهمیت نمی‌دهند. امان‌آقا با وجود اینکه قهوه‌خانه‌اش پاتوق راننده‌های کامیون نفتکش و کارگرهای کارخانه است و هر روز راجع به وقایع نفت خبرهایی می‌گیرد، حتی در حیاط خانه هم پای بحث‌های پدر خالد و خواجه توفیق و محمد مکانیک می‌نشیند، اما فقط حکم شنونده را دارد. اصلاً موضع خود را مشخص نمی‌کند؛ هم موافق حرف‌های اوسا حداد است و هم حرف‌های جان‌محمد را در قهوه‌خانه می‌شنود.

۵. محمد مکانیک: نماینده آدمی روشنفکر در جامعه کوچک خانه همسایه‌هاست. محمد مکانیک نماز نمی‌خواند. حرف‌های پدر خالد و خرافات او را باور نمی‌کند. پسرش به مدرسه می‌رود و مانع تحصیل او نمی‌شود. به حرف‌های اوسا حداد و خواجه توفیق می‌خندد و با آنها بحث و مخالفت می‌کند. (همان: ۲۹، ۴۹، ۵۴) او برخلاف پدر خالد که می‌گفت آدم نمی‌تواند با

۳. مادر خالد: این شخصیت را با قدری تسامح می‌توان صدای عقل در رمان دانست و بیشتر هم برای خالد (پسر شخصیت). مادر نمونه یک زن سنتی ایرانی است. به وظایف خود آشناست و پای خود را از آن فراتر نمی‌گذارد. خطا و اشتباهی از وی سر نمی‌زند. به سنت‌ها پایبند است، اما مثل شوهرش خرافاتی نیست. (همان: ۹۸ و ۴۰) او از رابطه پسرش با بلورخانم خبر دارد اما معتقد است که باید صبر کرد تا به راه بیاید، اگر تذکر بدهد پسرش جری‌تر می‌شود. او همیشه تابع شوهرش بوده، اما جایی که لازم باشد تذکر می‌دهد و یا مخالفت خود را اعلام می‌کند. (همان: ۴۰) بسیار نگران کارهای پسرش در ارتباط با دوستان جدیدش (پندار و بیدار و شفق) است؛ چندین بار هم به وی گوشزد می‌کند، اما تصمیم نهایی را به عهده خود خالد می‌گذارد.

محمود در حکایت حال چندین بار اشاره کرده است که آن زمان کتاب‌های نویسندگان روس را می‌خواندیم. با توجه به اشاراتی هم که در رمان همسایه‌ها دارد، به‌طور قطع رمان مادر ماکسیم گورکی را خوانده و از آن تأثیر پذیرفته است. در آن داستان هم پسر از پدر روی برمی‌گرداند، با ورود به سیاست، مادر حامی پسر می‌شود. در رمان همسایه‌ها اگرچه مادر خالد اهل مبارزه و سیاست نیست اما در نهایت با فعالیت‌های پسرش هم مخالفت نمی‌کند.

۴. بلورخانم و امان‌آقا: بلورخانم زن امان‌آقا، ۳۱ ساله است. نه سال است که ازدواج کرده و بچه‌دار نمی‌شود. بلورخانم خودش خرید خانه را انجام می‌دهد، به این معنی که با محیط بیرون از خانه

دولت دریفتد، معتقد است که باید حَقّش را بگیرد. (همان: ۱۰۲) بعدها که تظاهرات مردمی بیشتر می‌شود او هم در میتینگ شرکت می‌کند و کتفش آسیب می‌بیند. (همان: ۴۱۲) به عقیده برخی منتقدان محمّد مکانیک نماینده محمود در همسایه‌هاست. نویسنده این شخصیت را برای ابراز عقاید خودش خلق کرده است. هر جا که لازم بداند به بهانه‌ای سر و کله‌اش پیدا می‌شود و حرف خود را می‌زند.

۶. **اعضای حزب (پندار، بیدار، شفق، دکتر، پیمان، نادر):** این افراد همگی دارای اسم مستعار هستند. راه مبارزه با ستم و استعمار را برگزیده‌اند، پس زبانی مخصوص خود دارند که برای بیان اندیشه‌هایشان آن را به کار می‌گیرند، اما متأسفانه در تناقض با زبان عامه مردم است. در جریان ملی‌شدن صنعت نفت از انجام کارهای نمادین که باعث جلب توجه مأموران حکومتی می‌شود، خودداری می‌کنند. حالا، حتی بچه‌های مدرسه هم رو سینه‌هاشان نوار دوخته‌اند «صنعت نفت باید ملی شود». این افراد طبق مرام اشتراکی رفتار می‌کنند و حرف می‌زنند. «- خالد، همیشه یادت باشه که اگه آدمای تهیدست، کمک هم‌دیگه نکنن نابود میشن ... - تو همیشه باید به فکر اونا باشی که دردشون، درد خودته. ... - آدم اول باید با خودش مبارزه کنه... آدم باید اول خودشو اصلاح کنه، اونوخ مدعی اصلاح جامعه بشه». (همان: ۱۵۲-۱۵۱). یکدیگر را «رفیق» و «برادر» صدا می‌کنند. (همان: ۱۳۳، ۱۹۱، ۲۳۱) ظاهرشان را شبیه به افراد سرشناس روسی (استالین و لنین) جلوه می‌دهند. سببشان را شبیه عکس استالین که روی

صفحه اول مجلات زده شده، می‌آرایند. کتاب‌ها و مقالات روسی را بین یکدیگر ردّ و بدل می‌کنند. (همان: ۱۲۷، ۱۹۹-۱۹۸، ۲۲۰).

با توجه به توصیف رفتارهای اعضای حزب، نویسنده اصرار دارد تمام رفتارهای آنها را تقلیدی نشان دهد. گویی آنها فقط ظاهر امر را گرفته‌اند و اصل را فراموش کرده‌اند. محمود به عمد این گفت‌وگوها را می‌آورد و به نوعی خیالات روشن‌فکر مآبانه جوان‌ها را به سخره می‌گیرد. همچنین حرف‌های نادر درباره کارگر و کارفرما کاملاً کلیشه‌ای است و معلوم می‌شود از روی کتاب‌هایی که خوانده حرف می‌زند. محمود به عمد او را به این گونه سخن گفتن وا می‌دارد تا سطحی بودن مرام مارکسیستی را به خواننده‌اش نشان دهد. نادر در جریان دعوای کارگران کارخانه ریسندگی با سرکارگر که سرانجام به اخراج چند نفر از کارگران و بازداشت دو نفر دیگر ختم می‌شود، این گونه به حرف می‌آید: «- خب این خمیره و خصلت کارفرماس که رودرروی کارگر ایسته. به علاوه، اینو تجربه ثابت کرده که با تکامل صنعت و توسعه کارخونه‌ها، از یک طرف مشکلات تازه‌ای مطرح میشه و از طرفی درگیری‌های تازه‌ای بین کارگر و کارفرما به وجود میاد...». (همان: ۲۲۲)

۷. **حاج شیخ علی و میرزا نصرالله دندان‌ساز:** این افراد نمایندگان مذهب هستند که در نظام مارکسیستی همواره خطا کارند و فرد را از راه راستین باز می‌دارند و خرافاتی را رواج می‌دهند که در تقابل با تعقل است. همچنین اطاعت از قواعد و قوانین و نیز پیروی از نمایندگان مذهبی

شکنجه‌های بازداشتگاه‌ها آشنا می‌شود. (همان: ۳۲۰-۲۹۷)

ج) دنیا‌های بزرگ‌تر و متفاوت با خانه

خالد با رفتن به قهوه‌خانه وارد دنیای بزرگ‌تری می‌شود و با جامعهٔ راننده‌های کامیون و نفت‌کش آشنا می‌شود. راننده‌هایی که همیشه خبرهای جدیدی از نفت و جریانات صنعت ملی شدن می‌دهند. اگرچه این آدم‌ها هم افراد شاخص و متعلق به طبقهٔ بالایی نیستند، اما چون به قول راوی همه جور آدم به قهوه‌خانه می‌آید و نیز این مسائل در محیطی جدای از محیط خانه شکل می‌گیرد، فرصت مناسبی برای قهرمان داستان است تا به تدریج محیط‌های دیگر را هم بشناسد. محمود زمینهٔ شناخت این دنیا را به طرز نامحسوسی برای قهرمانش فراهم می‌کند.

به بهانهٔ بردن پیغام برای شفق پای خالد به کتاب‌فروشی که محیطی فرهنگی است، باز می‌شود. نویسنده عمداً چنین محیطی را انتخاب کرده تا حزیبون را افرادی باسواد و تحصیل کرده نشان دهد؛ به‌علاوه در بین آنها، بیدار نیز معلم است. محیط جدید دیگری که محمود بدان می‌پردازد، زندان است. در واقع راوی سه فصل آخر را در بازداشت و زندان به سر می‌برد و به توصیف آن محیط و آدم‌هایش می‌پردازد.

محمود تلاش خود را کرده تا جامعهٔ شهری هرچند کوچکی را به تصویر کشد و بدین ترتیب با پرداختن به آن، به مسائل و مشکلات آن نیز اشاره کند.

را ترویج می‌دهند تا قومی سر به زیر و مطیع را تربیت کنند که جرأت اعتراض و اندیشیدن را نداشته باشند. حاج شیخ علی، شیخ سوءاستفاده کاری که فقط برای دیگران، از جمله امثال اوسا حداد نسخه می‌پیچد، معتقد است درس زیاد آدم را سر به هوا می‌کند. امثال این افراد ترجیح می‌دهند مردم در جهل به سر برند، زیرا اگر به واسطهٔ درس خواندن و کسب علم و آگاهی به حقیقتِ اصیل زندگی دست پیدا کنند، دکان اینها تخته می‌شود. او کار نمی‌کند و از طریق ارشاد مردم و منبر رفتن کسب درآمد می‌کند. راوی در جایی اشاره می‌کند که دست‌های حاج شیخ علی مثل دنبه سفید است. (همان: ۲۹) از لحاظ زیبایی‌شناختی رفتارهای این شخصیت در صحنه‌ای از رمان که خودش را به خانهٔ اوساحداد دعوت می‌کند، نمود پیدا می‌کند. بنا به گفتهٔ راوی، حاج شیخ‌علی خودش را به خانه‌شان دعوت می‌کرد و همراه با داماد، بچه‌ها، برادرها و برادرزاده‌هایش می‌آمدند و توقع بالایی هم در نحوهٔ پذیرایی خانوادهٔ اوسا حداد با وجود وضعیت مالی بد داشتند.

۸. افراد حکومتی (علی شیطان و شهری): این جماعت به مادرشان هم رحم نمی‌کنند. با انواع شکنجه‌های روحی و جسمی و ایجاد محیط‌های وحشت‌آور از زندانیان بازجویی می‌کنند. در رمان شاهد فحش و ناسزایی که مأموران حکومتی در برخورد با مبارزان استفاده می‌کنند، هستیم. از زمانی که خالد بازداشت می‌شود (فصل چهارم)، خواننده با انواع فحش و اهانت‌ها و نیز اقسام

د) آگاهی‌های فردی و اجتماعی

اگر بخواهیم طی این هشت سال آگاهی‌های خالد را بررسی و تقسیم‌بندی کنیم، اولین آگاهی وی جسمی است. این آگاهی در پی رابطه‌اش با بلور خانم پدید می‌آید؛ درست در زمانی که خالد در سن ۷ و سال کنجکاو و به دنبال هیجان است. پس از آن «آگاهی وجدانی»^۱ است؛ بدین معنی که در این زمان وجدان خالد بیدار شده است و دیگر به خودش اجازه نمی‌دهد که به رابطه‌اش با بلور خانم ادامه دهد. بیداری و آگاهی وجدانش هم از کمک امان‌آقا در جریان آزادی از کلانتری نشأت می‌گیرد. حمایت‌های امان‌آقا از خالد فقط به همین یک مورد ختم نمی‌شود، بلکه تازه از آن روز شروع می‌شود. آگاهی سوم خالد آگاهی فکری، اجتماعی، سیاسی است که با حضور در کلانتری کلید می‌خورد و تا پایان داستان و در واقع تا پایان زندگی قهرمان داستان ادامه می‌یابد. شکل‌گیری این سه لایه آگاهی در شخصیت خالد، در طول هشت سال، کاملاً موازی با رشد جامعه و حرکت به سمت آگاهی و اعتراض است و سیری طبیعی را طی می‌کند؛ به طوری که در آغاز نه در خانه و نه در جامعه بیرون هیچ خبری نیست. مبارزات به طور جدی شروع نشده است. کم کم به قهوه‌خانه می‌رود و به محیطی غیر از خانه پا می‌گذارد؛ در مقابل مبارزات مردم برای ملی کردن صنعت نفت هم آغاز می‌شود. خالد به زندان می‌افتد و این روند روز به روز شدت می‌یابد؛ تا اینکه در پایان، نفت ملی شده، خالد نیز از زندان آزاد می‌شود، اما مشمول خدمت نظام وظیفه می‌شود یعنی که وضعیت

سیاسی حکومت با ملی شدن نفت بهبود نیافته است و مبارزه و اعتراض همچنان ادامه دارد.

مرحله دوم: تشریح

گلدمن در این مرحله به تشریح ساختار سیاسی - اجتماعی و اقتصادی جامعه در ساختار اثر ادبی می‌پردازد. وی برای تشریح این جریان به چهار عامل توجه می‌کند: ۱. «مقوله میانجی» یا همان شیء‌وارگی؛ که در آن همه چیز به کالا تبدیل می‌شود؛ ۲. «قهرمان پروبلماتیک» در عین حال که متأثر از بازار آزاد است، تابع ارزش‌های کیفی خود نیز هست؛ ۳. با توجه به فرد پروبلماتیک، رمان براساس نارضایتی قهرمان از روند جامعه و گرایش خود به ارزش‌های کیفی تکامل یافته است؛ ۴. در جامعه «رقابت آزاد» ارزش‌های کیفی مثل «آزادی، برادری، برابری» وجود دارد که رمان زندگی‌نامه فردی افراد مسئله‌دار، براساس این ارزش‌ها پی‌ریزی می‌شود. (ایوتادیه، ۱۳۷۷: ۱۱۲-۱۱۱)

الف) بستر تاریخی، اجتماعی و سیاسی رمان**همسایه‌ها**

«تاریخ به گونه‌های مختلف در ادبیات ظاهر می‌شود: یکی تاریخ با حروف درشت که منظور همان تاریخ هر کشور و ملت است، دیگری تاریخ به عنوان واقعیت‌های موجود در جامعه که در کتاب‌های تاریخ به آنها اشاره‌ای نشده است، ولی از خلال نوشته‌های ادبی می‌توان به حضورشان در

۱. این اصطلاح از کتاب باران بر زمین سوخته، فیروز زنونزی جلالی، ص ۵۲، گرفته شده است.

حزب توده تشکیل شد. چون هدف این حزب مبارزه با ظلم و استبداد بود بسیاری از افراد جامعه به آن پیوستند.

ب) تحلیل جامعه

رمان همسایه‌ها برشی از زندگی قهرمان داستان (خالد) از دوازده تا بیست سالگی اوست. رشد خالد در طول این هشت سال کاملاً موازی با تغییر و تحولات فکری، سیاسی و اخلاقی جامعه پیش می‌رود. البته این تاحدودی به زاویه دید خالد نیز مربوط است. رمان در سال ۱۳۲۳، با دوازده سالگی خالد که غرق در عوالم بچگی و شیطنت‌های خاص سنش است، شروع می‌شود و با بیست سالگی وی در ۱۳۳۰، اوج مبارزات برای ملی کردن نفت و از آن طرف پایان زندان خالد و مشمول خدمت شدنش، به پایان می‌رسد.

از بهترین شیوه‌های ممکن برای نشان دادن رشد و استحاله قهرمان داستان، ایجاد رابطه جنسی خالد با بلورخانم است. به عقیده شیری «بی‌محابایی در پرداختن به رابطه‌های آشکار و پنهان جنسی نیز یکی از موضوعاتی است که در داستان‌های جنوب بیشتر از جاهای دیگر به آن پرداخته شده است» (شیری، ۱۳۸۷: ۲۲۰) درباره علاقه‌ای که بین خالد و سیه‌چشم شکل می‌گیرد نیز باید گفت که عشق و علاقه دختران اشرافی نسبت به مبارزان در کل جامعه و در همه دوره‌ها مطرح بوده است.

در این رمان ایدئولوژی‌های حزب توده برای خواننده به نمایش گذاشته شده است. حزبی که به دلیل روابط و مناسباتش با روسیه از کمونیسم تقلید می‌کرد.

جامعه پی برد». (کهنمویی‌پور، ۱۳۸۹: ۱۸) محمود در رمان همسایه‌ها به وقایع سال‌های دهه ۲۰ پرداخته است. در سال ۱۳۲۰ انگلیس، شهرهای اهواز، تهران و کرمانشاه؛ و شوروی نیز شهرهای آذربایجان، گیلان و کردستان را تحت اشغال خود در آورده بودند. اهواز که یکی از شهرهای نفت‌خیز ایران است، مستعمره خوبی برای انگلیسی‌ها بود. به همین دلیل مردمان این شهر از نزدیک شاهد وقایع بسیاری بودند: استخراج و غارت نفت، حضور انگلیسی‌ها، مهاجرت و بعدها مبارزات علیه نیروهای اشغالگر انگلیس و تلاش برای ملی کردن نفت و به دنبال آن بیرون کردن نیروهای اشغالگر و اتفاقاتی از این دست. خوزستان به دلیل موقعیت نفت‌خیزش مکان مناسبی برای استعمارگران انگلیس بود، به‌خصوص که شاه جوان (محمدرضا شاه) هم به‌راحتی به خواسته‌های آنان تن درمی‌داد. در این بین آسیب زیادی متوجه کارگر بود. به همین دلیل همراه با گروه روشنفکران جامعه دست به اعتراض و قیام می‌زدند. در تاریخ جامعه ایران همواره به دلیل فضای بسته و نبود آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، پرداختن به سیاست و وضعیت اقتصادی و اجتماعی پرخطر و با سانسور حکومت مواجه بوده است، اما پس از کناره‌گیری رضاشاه از قدرت و روی کار آمدن شاه جوان، تا رونق گرفتن دوباره دولت و دربار و نیز به دلیل ورود و حضور نیروهای متفقین در ایران، فضای سیاسی باز و آزادی شکل گرفت. در این دوران روزنامه‌های بسیاری شروع به فعالیت کردند. همچنین احزاب مختلفی از جمله

در همسایه‌ها، نویسنده جامعه شهر اهواز را برای خواننده به تصویر می‌کشد؛ البته گاهی به مناطق دیگر مثل کشور کویت هم گریز می‌زند و از نوکری ایرانیان برای عرب‌ها و تسلط انگلیسی‌ها بر آنها حرف می‌زند، اما مکان اصلی داستان شهر اهواز است؛ دلیل آن هم اشراف محمود به این شهر، مردمانش و فرهنگ بومی آنجاست. در این جامعه، مردم در دو طبقه دارا و ندار و یا بورژوا و پرولتاریا زندگی می‌کنند.

ساختار رمان و اندیشه‌های خالد همواره در جهت نشان دادن تفاوت طبقاتی است. در جامعه‌ای که خالد توصیف می‌کند، وضعیت خیابان‌های بالاشهر خوب است. آسفالت و سنگ‌فرش شده، قهوه‌خانه شیک و باکلاسی دارد، آدم‌های آنجا درس خوانده‌اند و سیمت‌های شغلی اداری دارند. علاوه بر تحصیل، ورزش هم می‌کنند. مغازه خواربار فروشی دارند. اما در پایین‌شهر خیابان از جایی به بعد، دیگر آسفالت نیست و خاک و گل و لای است. بیشتر بچه‌ها (به غیر از امید) درس نمی‌خوانند و در پی کارهای خلاف و یا دنباله‌رو کار پدرشان می‌شوند. پدرانشان هم کارگر و خرکچی و مکانیک و کارگر شهرداری و قاچاق‌فروش و معتاداند. از مغازه سیراب و شیردان می‌گویند. با این توصیفات، فرهنگ پایین‌شهر به‌گونه‌ای است که مردمش از روی ناآگاهی و بی‌سوادی و عدم قدرت تفکر، به افراد روحانی متوسل می‌شوند و از آنها برای انجام کارها و تصمیم‌گیری‌هایشان کمک می‌گیرند. به خاطر همین عدم قدرت تصمیم‌گیری و نبود تفکر و تعقل و آگاهی، به خرافات اعتقاد بسیاری دارند. به سنت‌های قدیم نیز پایبندند، بدون اینکه درباره

درست و غلط بودن آنها فکر کنند. (محمود، ۱۳۵۷: ۹۸)

در میدان شهر (میدان مجسمه)، تظاهرات خیابانی شکل گرفته که ناگهان پاسبانان سر می‌رسند و جمعیت را پراکنده می‌کنند. خالد پس از فرار از میتینگ به دلیل آسیب دیدن پایش به خانه‌ای در دو خیابان پایین‌تر پناه می‌برد. نویسنده در این قسمت به توصیف دو دنیای متفاوت می‌پردازد. «دنیای انقلابی» و «دنیای روزمره»^۲. راوی از آن تظاهرات یعنی همان دنیای انقلابی و مبارزه فرار می‌کند و به کوچه بن‌بستی پناه می‌برد که انگار متعلق به آن شهر و کشور نیست. کوچه در سکوت و آرامشی به سر می‌برد، گویی در مملکت همه‌چیز آرام است.

در کتاب همسایه‌ها، خالد در بخشی که یکی از میتینگ‌ها را توضیح می‌دهد (البته آن موقع چون اصلاً نمی‌دانست چه خبر است، واژه میتینگ را به کار نمی‌برد) می‌گوید زنان و دختران بدون حجاب در تظاهرات ظاهر شدند. گویی حجاب مانعی برای حضور در میتینگ بوده و یا روشنفکران زن اصلاً خود مخالف حجاب بوده‌اند: «تا چشم به هم بزیم، می‌بینیم که میدان پر شده است از آدم‌های جوربه‌جور. پیر، جوان، با لباس کار، با لباس تمیز، با لباس چرب و روغنی و چندتایی هم زن و دختر بی‌حجاب قاطی‌شان». (همان: ۷۸)

۲. این دو اصطلاح از کتاب جامعه‌شناسی ادبیات: دفاع از جامعه‌شناسی رمان، لوسین گلدمن، (۱۳۷۱)، ترجمه محمد جعفر پوینده، چاپ نخست، تهران، نشر هوش و ابتکار گرفته شده است.

حیاط خانه بساط نان پختن را برپا می‌کند، پس از مدت کوتاهی شاطر از او شکایت می‌کند و با بازرس به سر و قتش می‌رود. در آنجا هم هیچ یک از افراد، صنم، شاطر، و بازرس، هیچ‌کدام رفتار درست و منطقی‌ای ندارند و این تماماً در بی‌سوادی و فقر فرهنگی این افراد ریشه دارد.

همین فقر فرهنگی و نبود تربیت اجتماعی صحیح در اکثر افراد جامعه دیده می‌شود و همین آدم‌ها هستند که در تظاهرات شرکت می‌کنند و شعار می‌دهند؛ بنابراین در جریان تظاهرات نیز این نیروی حسّ و غریزه است که بر عقل و اندیشه غلبه دارد و حرکت و شور و هیجان ایجاد می‌کند. این نوع آدم‌ها هیچ‌کدام به‌طور دقیق و درست از آن هدف اصیل شناختی ندارند و تنها از روی وطن‌دوستی دست به حرکت‌های انقلابی می‌زنند و چون بی‌هدف‌اند راه به جایی نمی‌برند. به عبارت دیگر مردم در این جامعه دارای هر پنج حسّ ظاهری هستند؛ حرف‌ها را می‌شنوند، تظاهرات را می‌بینند اما قدرت تجزیه و تحلیل این مسائل را ندارند.

د) نقش رهبران مبارز و انقلابی

«افراد انقلابی، که روشنفکران اهل عمل‌اند، کاری که در این چشم‌انداز می‌کنند این است که به انسان‌ها یاری می‌رسانند تا از گرایش‌های طبیعی که در اعماق وجودشان نهفته و تمدنی سرکوبگر آنها را تباه ساخته است آگاهی به دست بیاورند. آنها برای این منظور انسان‌ها را به رسالت راستینشان باز می‌گردانند: پرداختن به ایجاد اتحاد و از همین رهگذر، ساختن تاریخ». (گلدمن، ۱۳۷۱:

بیدار معلّم است و نماینده جامعه معلّمانِ روشنفکر و آگاهی که در راستای بیداری و آگاهی بخشیدن به مردم جامعه‌شان قدم برمی‌دارند و تلاش می‌کنند. او در کلاس سوم و چهارم درس می‌دهد. خالد هم تا کلاس چهارم بیشتر درس نخوانده، گویی نویسنده عمداً بیدار را معلّم این مقطع انتخاب کرده تا به خواننده بفهماند که بیدار برای خالد نقش معلّم را دارد، به‌خصوص که سنّش هم بیشتر از اوست. در همان اوایل آشنایی با پندار و شفق نیز، خالد مدام به آنها فکر می‌کند، گویی نویسنده می‌خواهد او را در حال تحوّل به مرحله قهرمانی نشان دهد. بعدها نیز خالد فراوان رفتارها و گفته‌های آنها را تأیید می‌کند و همیشه پیش خود به این فکر می‌کند که کاش او مثل آنها بود یا می‌توانست مثل آنها رفتار کند. (همان: ۲۱۰-۲۰۹)

ج) اخلاق اجتماعی

تربیت اجتماعی هر شخصیت در همسایه‌ها کیفیت خاصّ خود را دارد. در قشر فرودست جامعه که فقر و تنگدستی بر همه لایه‌های شخصیت انسان‌ها حکمفرماست، جز فساد چیزی به بار نمی‌آید؛ به‌خصوص که شناخت و شعور و آگاهی در این طبقه جایگاهی ندارد. در بخش‌های بسیاری از رمان شاهد این فقر تربیتی، اخلاقی و اجتماعی هستیم. برای مثال نحوه برخورد صنم با ابراهیم و بانو در کاهدانی، ناشی از نادانی و نبود نیروی تعقل در وجود این شخصیت است، زیرا بدون اندیشیدن به کاری دست می‌زند که نباید و رسوایی به پا می‌کند. (همان: ۱۲۲-۱۲۱) در بخش دیگری که صنم در

رنگ‌های پریده. شاگردان مدرسه، کارمند، کاسب، زن، پیر، جوان و همه قاطی هم». (همان: ۱۷۹)

و) قهرمان پروبلماتیک

انزوا و به حاشیه کشیده شدن روشنفکر و حتی تا حدودی افراد آگاه در جامعه معاصر قرن بیستم در آثار محمود و برخی معاصرانش به چشم می‌خورد. محمود در اولین رمان خود (همسایه‌ها) این حس را به واسطه قهرمان داستانش به نمایش می‌گذارد و با پیشرفت داستان و درگیری (ناخواسته) خالد با سیاست و برقراری ارتباط بیشتر با جامعه گوشه‌گیر می‌شود و گرفتار دنیایی می‌شود که به دشمنی با وی برخاسته، به این دلیل که خواسته‌هایش در تضاد با جامعه است.

همسایه‌ها رمانی زندگی‌نامه‌ای است و قهرمانی پروبلماتیک دارد که علیه سرمایه‌داری و اقتصاد بیمار جامعه‌اش به اعتراض برمی‌خیزد. نویسنده با توجه به ایدئولوژی‌ای که بدان باور دارد، طرفدار طبقه کارگر تحت سلطه (پرولتاریا) است و به واسطه خالد (راوی قهرمان) که به نوعی نمودی از شخصیت واقعی خودش است، به دفاع از این طبقه می‌پردازد.

همسایه‌ها رمان اعتراض است. خالد شخصیت پروبلماتیک این رمان است؛ چرا که وقتی وارد اجتماع می‌شود و همه آنچه را که پیش از این در بحث‌های بین همسایه‌ها می‌شنید، حالا با چشم خود می‌بیند. با حضور در جامعه و دیدن این همه اختلاف طبقاتی، فکری و عقیدتی و بسیاری تضادهای دیگر، دچار سردرگمی می‌شود. آنچه برای وی ارزش محسوب می‌شود،

در رمان ایجاد همبستگی و اتحاد مبارزان را نیز مشاهده می‌کنیم. «گونه‌های بی‌خون بیدار رنگ می‌گیرد - ... باید متحد بشیم، جدا جدا هیچ کاری از دستمون بر نمیداد. خرد می‌شیم، نابود می‌شیم، باید به هم‌دیگه جوش بخوریم، مته آهن، مته فولاد...». (محمود، ۱۳۵۷: ۱۲۷، ۱۰۰)

ه) نقش توده مردم

به عقیده «اگوستین تی‌یری تاریخدان فرانسوی، مبارزه طبقاتی، نیروی محرک بنیادی روند تاریخ است. تی‌یری اصول مرسوم تاریخ‌نگاری را رد کرد و گفت که سازندگان واقعی تاریخ، نه قهرمانان و حکمروایان، بلکه مردم عادی و شرکت‌کنندگان در جنبش توده‌ها هستند». (ساجکوف، ۱۳۶۲: ۸۰) درباره رمان‌های محمود این نکته کاملاً صادق است که موضوع همه آثار وی «شرح زندگی افراد عادی در بستر رویدادهای تاریخی مهمی است که تأثیری مستقیم بر سرنوشت آنها دارند و توده‌های مردم در آنها نقش عمده دارند». (همان: ۸۰) در رمان همسایه‌ها، بسیاری از صحنه‌ها تظاهرات مردم در میدان‌های مختلف شهر را به تصویر می‌کشد، همچنین توده مردم و کارگران کارخانه‌ها و پالایشگاه اعتصابات و اعتراضات را برپا می‌کنند. «تا چشم به هم بزنیم، می‌بینیم که میدان پر شده است از آدم‌های جور به جور. پیر، جوان، با لباس کار، با لباس تمیز، با لباس چرب و روغنی و چند تائی هم زن و دختر بی‌حجاب قاطی‌شان» (محمود، ۱۳۵۷: ۷۸)؛ «تو میدان، همه جور آدم هست. کارگران آبی‌پوش نفت و کارگران راه‌آهن با اندام‌های ورزیده و چهره‌های تیره. کارگران ریسندگی با

ثروتمندان هر روز قوی‌تر می‌شوند، از طرف دیگر تمام نیروی کارگران صرف‌کار در کارخانه‌های سرمایه‌داران می‌شود و دست‌مزد چندانی هم نمی‌گیرند و وقتی نیرویشان تحلیل رفت، نیروهای جدید جایگزین آنها می‌شوند. در همسایه‌ها نیز این افکار چنین توصیف می‌شود: بحث درباره «استخوانیست‌ها» درمی‌گیرد. کار بیشتر «فرد» برای افزایش «تولید». پندار مجاهدات برجسته «الکسی استخونوف» کارگر نمونه کشور شوراها را تشریح می‌کند. (همان: ۲۳۳ و ۱۵۳) در همسایه‌ها نیز احساس شیء‌شدگی در افراد طبقه کارگر و فرودست جامعه به چشم می‌خورد. مثلاً پدر خالد در نامه‌ای از وضعیت خود در کویت این‌گونه می‌نویسد: «تو کویت پول هست ولی با خفت و خواری... آدم خیال می‌کند که عرب‌ها نوکر فرنگی‌ها هستند و تو نوکر عرب‌ها. چنان باد به غبغب می‌اندازند و چنان خیزران به سر و کولت می‌کوبند که انگار نه انگار آدمی...». (همان: ۱۲۴) در جوامع استبدادی و سرمایه‌داری ما با پدیده شیء‌شدگی طبقه کارگر و زحمتکش مواجه هستیم.

ح) اعتراض

همسایه‌ها را باید رمان اعتراض دانست. نویسنده به همه شخصیت‌های داستانش فرصت ابراز وجود می‌دهد، شخصیت‌ها هرکدام در هر جایگاه اجتماعی‌ای که باشند به وضعیت خود معترض-اند. در این رمان شخصیت‌ها همگی به وضعی که در آن قرار دارند معترض هستند. بلورخانم با تجاوز از حدودی که جامعه و عرف برایش تعیین کرده است اعتراض می‌کند. سیه‌چشم هم به این

در جامعه سرکوب می‌شود، و برعکس آنچه به آن فکر نمی‌کند، به این علت که برایش اهمیتی ندارد، در جامعه از ارزش زیادی برخوردار است. چون در جامعه‌ای زندگی می‌کند که در تضاد با آرمان‌ها و خواسته‌ها و ارزش‌های اوست، به اجبار از جامعه کناره‌گیری می‌کند و در گوشه‌ای عزلت می‌گزیند. از آنجایی که در این افکار و عقاید تنه‌است، اگر بخواهد اعتراض کند حکومت او را سرکوب می‌کند و وقتی ادامه پیدا کند به زندان و تبعید کشیده می‌شود.

در مجموع با توجه به آنچه پیش از این آمد، می‌توان گفت شخصیت نویسنده (احمد محمود) در رمان همسایه‌ها کاملاً نمود یافته است. احمد محمود همان‌طور که در زندگی‌نامه‌اش هم متذکر شدیم از همان دوران جوانی درگیر سیاست و حزب می‌شود و به زندان می‌افتد و این مسائل باعث می‌شود تحصیلات خود را ادامه ندهد؛ در نتیجه پس از آزادی از زندان به علت سوءسابقه و نداشتن سواد دانشگاهی از داشتن مشاغل رسمی و اداری محروم می‌شود؛ نویسنده رمان همسایه‌ها نیز همچون قهرمان رمانش به فردی مسئله‌دار تبدیل و به حاشیه جامعه رانده می‌شود.

ز) شیء‌وارگی

تبدیل شدن نیروی کارگر به وسیله‌ای برای افزایش تولید و پول برای کارفرما در نظام سرمایه‌داری نیز نمونه بارز شیء‌وارگی است. در افکار و اندیشه‌های مارکسیستی مبارزان به دنبال جامعه بی‌طبقه هستند و نیز مخالف نظام سرمایه‌داری، زیرا از طرفی

عرف و سنت معترض است و با طرح دوستی با خالد به نوعی به این وضع اعتراض می‌کند. مادر خالد به وضع مالی خانواده‌اش معترض است. وی با تن دادن به کار در خانه سرهنگ اعتراضی محقرانه به وضعیت خود دارد. او حتی از رابطه پسرش با زن همسایه نیز خبر دارد، اما تحت هژمونی و سلطه حاکم در جامعه توان و قدرت اعتراض در خود نمی‌بیند، در واقع به خود اجازه چنین جسارتی نمی‌دهد. پدر خالد با رفتن به کویت و زیر دست اعراب کار کردن، به وضع کاسبی مملکت اعتراض می‌کند و این قدر تحت فشار شرایط بد اقتصادی جامعه است که زبردست عرب‌ها بودن را به کار در مملکت خود ترجیح می‌دهد و این نشان از بی‌زاری از اوضاع داخلی و نیز رکود وضعیت اقتصادی است.

در هر اعتراضی، معترضان به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ یا اعتراضات جواب می‌گیرد و آنها موفق می‌شوند و به خواسته‌هایشان دست پیدا می‌کنند، و یا با شکست مواجه و در نهایت سرکوب می‌شوند. در بررسی شخصیت‌های رمان همسایه‌ها به این نتیجه رسیدیم که تمامی اعتراضات از جانب هر شخصیت و گروهی که صورت گرفت، با شکست مواجه شد و سرانجام با سرخوردگی و سرکوب شدن به پایان رسید. از دلایل سرکوب اعتراضات می‌توان به استبداد و خفقان حاکم بر جامعه اشاره کرد. بدین ترتیب اگر کارگران کارخانه (ریسندگی) اعتصاب کرده‌اند، به دعوا و کتک‌کاری کارگران و اخراج آنها ختم شده است؛ اگر زندانیان برای بهبود وضعیت غذایشان اعتراض کرده‌اند در نهایت به

انفرادی فرستاده شده‌اند و اگر اعتصاب کرده‌اند با سر به نیست کردن یکی از رهبران اعتصاب (پندار) و کشتن یکی از زندانیان (ناصر) و سرکوب کردن دیگر زندانیان و فرستاده شدن خالد به انفرادی ختم غائله را اعلام کردند. وقتی زن (بلورخانم، رضوان) به هر دلیلی اعتراض می‌کند، مرد (امان‌آقا، رحیم خرکچی) با تسمه و چپق به جانش می‌افتد و او را ساکت می‌کند. وقتی مردم (از همه قشر جامعه) به شرایط موجود در جامعه معترض‌اند و در میدان شهر جمع می‌شوند، مأموران حکومتی با باتوم و بعدترها با تفنگ به جانشان می‌افتند. اینها نمونه‌ای از اعتراضات سرکوب‌شده این رمان است.

ط) تحوّل

در آغاز رمان، توصیفات راوی حکایت از روزمرگی زندگی دارد؛ اما با گذشت زمان می‌توان تحوّل را در جامعه اهواز در سال‌های ۱۳۲۶-۱۳۲۹، یعنی سال‌های تلاش مردم برای ملی شدن صنعت نفت را در رمان نیز مشاهده کرد. «صدای پر توپ گوینده رادیو بلند می‌شود. مردم را به شنیدن یک خبر مهم دعوت می‌کند. این روزها، همه تشنه خبر هستند». (همان: ۱۷۳)

همه شخصیت‌های همسایه‌ها در طی این هشت سال، تحولات زیادی در شخصیت و زندگی‌شان با توجه به جایگاه و موقعیت اجتماعی‌شان روی داده است. داستان در دو فصل اوّل شخصیت‌ها را معرفی می‌کند. در گفت‌وگوها همه چیز شخصیت‌ها مشخص می‌شود؛ اسمشان، رسمشان و اینکه کجا زندگی می‌کنند و به چه

رمان همسایه‌ها اولین رمان احمد محمود است. نویسنده در این رمان چند بُعدی به توصیف جامعه و تاریخ و سیاست دوره محمدرضاشاه جوان در سال‌های ۱۳۲۳ تا ۱۳۳۱ می‌پردازد. رمان به دلیل پرداختن به مسائلی چون اعتصابات کارگری، میتینگ‌ها، اعتراضات و تظاهرات مردمی، اشغال نیروهای انگلیس و شوروی، ملی شدن صنعت نفت از طرفی و پرداختن به مسائل جامعه خوزستان و آشنایی خواننده با فرهنگ بومی مردم از طرف دیگر و توجه نویسنده به مسائلی چون فقر ناشی از ظلم و جور نظام حاکم، جهل مردمان طبقه فرودست جامعه و به تبع آن اعتقاد به خرافات و جادو و جنبل، خودکشی، فحشا، مبارزات طبقه کارگر برای احقاق حقوق از دست رفته، توصیف وضعیت زندان، شکنجه‌ها و بازجویی‌ها، توصیف ساختار شهر (محل تجمع مردم، محل سکونت و ...)، اختلاف طبقاتی، اختلاف فکری و فرهنگی و بسیاری از مسائلی ریز از این دست، در این اثر و نیز در دیگر آثارش، باعث شده است وی را نماینده تمام عیار رئالیسم اجتماعی بدانیم.

همسایه‌ها را باید رمان اعتراض دانست. چراکه نویسنده به همه شخصیت‌های داستانش فرصت ابراز وجود می‌دهد، شخصیت‌ها هرکدام در هر جایگاه اجتماعی‌ای که باشند به وضعیت خود معترض‌اند. همسایه‌ها رمان تحول نیز هست. تعدادی از آدم‌های آخر داستان همانی نیستند که در آغاز بودند. در پی اتفاقات به آدم‌های دیگری بدل شده‌اند که نمونه بارزشان شخصیت راوی داستان، خالد نوجوان و قهرمان پروبلماتیک رمان است.

می‌اندیشند و ... به پایان داستان که می‌رسیم شخصیت‌های اصلی تحول پیدا کرده‌اند و شکلی کامل به خود گرفته‌اند. به نحوی که از لحاظ شناخت و شعور به کسان دیگری تبدیل شده‌اند. (گلستان، ۱۳۸۳: ۱۳۱) خالد به واسطه رابطه با بلور خانم به رشد جسمی و بلوغ جنسی می‌رسد؛ با قدم گذاشتن در اجتماع و محیط‌های دوم و سوم به جز خانه (قهوه‌خانه، کتاب‌فروشی مجاهد، شرکت در میتینگ‌ها و جلسات حزب) به بلوغ فکری می‌رسد و آدمی اجتماعی و صاحب فکر و اندیشه می‌شود. «خالد چهره‌ای مشخص، فردی و اجتماعی دارد، دارای روحیاتی است که بسیاری از جوانان ایرانی دارند، آدمی است دارای گوشت و پوست که از رویدادهای سیاسی و اجتماعی شهر و زمانش متأثر می‌شود و برای خواننده آشنا و زنده است. نویسنده در ترسیم چهره او این رو و آن روی سکه، یعنی وجه عاطفی درونی و وجه اجتماعی زندگانی او را دیده و جهات متفاوت واقعیت را در نظر آورده است». (دستغیب، ۱۳۷۸: ۱۰۱)

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به هدف اصیل گلدمن که معتقد بود «میان جهان رمان نویسنده و یک گروه اجتماعی» در دوره مورد بحث پیوند برقرار است، رمان همسایه‌ها نیز برگردانی از زندگی روزمره جامعه دهه ۲۰ اهواز است و محمود، جهان‌نگری و بینش حزب توده را در وقایع ملی شدن صنعت نفت و دفاع از طبقه کارگر و زحمت‌کش، برای خواننده امروزی ناآشنا به آن دوره و وقایع، به‌خوبی به تصویر کشیده است.

منابع

- ایوتادیه، ژان (۱۳۷۷). «جامعه‌شناسی ادبیات و بنیان‌گذاران آن». *درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات: مجموعه مقاله*. گزیده و ترجمه محمدجعفر پوینده. تهران: انتشارات نقش جهان.
- باقری، خسرو (۱۳۸۱). «گفت‌وگویی با احمد محمود». *مجله چیستا*. شماره ۱۹۵-۱۹۴. صص ۳۲۵-۳۱۱.
- دستغیب، عبدالعلی (۱۳۷۸). *نقد آثار احمد محمود*. تهران: معین.
- رضی، داوود؛ عمرانی، سجاد و دارایی‌زاده، علی (اسفند ۱۳۹۲). «رویکرد جامعه‌شناختی به نقد ادبی (با تأکید بر ساخت‌گرایی تکوینی لوسین گلدمن)». *هفتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی*. صص ۹۴۱-۹۳۳.
- زنوزی جلالی، فیروز (۱۳۸۶). *باران بر زمین سوخته*. تهران: نشر تندیس.
- زیما، پیر (۱۳۷۷). «جامعه‌شناسی رمان از نظرگاه گلدمن». *درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات: مجموعه مقاله*. گزیده و ترجمه محمدجعفر پوینده. تهران: انتشارات نقش جهان.
- ساجکوف، بوریس (۱۳۶۲). *تاریخ رئالیسم*. ترجمه محمدتقی فرامرزی. تهران: تندر.
- شیری، قهرمان (۱۳۸۷). *مکتب‌های داستان‌نویسی در ایران*. تهران: نشر چشمه.
- طلوعی، وحید؛ رضایی، محمد (پاییز ۱۳۸۶). «ضرورت کاربست ساختارگرایی تکوینی در جامعه‌شناسی ادبیات (ساختارگرایی تکوینی در مقام روش)». *مجله جامعه‌شناسی ایران*. شماره ۳. دوره هشتم. صص ۲۷-۳.
- علایی، مشیت (۱۳۸۰). «نقد ادبی و جامعه‌شناسی». *کتاب ماه ادبیات و فلسفه*. صص ۲۰-۳۳.
- فراروتی، فرانکو (۱۳۷۷). «لوکاچ. گلدمن و جامعه‌شناسی رمان». *درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات: مجموعه مقاله*. گزیده و ترجمه محمدجعفر پوینده. تهران: انتشارات نقش جهان.
- کهنمونی‌پور، ژاله (۱۳۸۹). *نقد جامعه‌شناختی و لوسی‌بن گولدمن*. تهران: علمی و فرهنگی.
- گلدمن، لوسین (۱۳۷۱). *جامعه‌شناسی ادبیات دفاع از جامعه‌شناسی رمان*. ترجمه محمدجعفر پوینده. تهران: هوش و ابتکار.
- _____ (۱۳۷۶). *جامعه. فرهنگ. ادبیات*. ترجمه محمدجعفر پوینده. تهران: چشمه.
- _____ (۱۳۷۷). «روش ساخت‌گرایی تکوینی در جامعه‌شناسی ادبیات». *درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات: مجموعه مقاله*. گزیده و ترجمه محمدجعفر پوینده. تهران: انتشارات نقش جهان.
- _____ (۱۳۸۲). *نقد تکوینی*. ترجمه محمدتقی غیائی. تهران: مؤسسه انتشارات نگاه.
- گلستان، لیلی (۱۳۸۳). *حکایت حال*. تهران: معین.
- گلشیری، هوشنگ (۱۳۷۸). *باغ در باغ (مجموعه مقالات)*. جلد اول. تهران: نیلوفر.
- لنار، ژاک (۱۳۷۷). «جامعه‌شناسی ادبیات و شاخه‌های گوناگون آن». *درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات: مجموعه مقاله*. گزیده و ترجمه محمدجعفر پوینده. تهران: انتشارات نقش جهان.
- لوکاچ، جورج (۱۳۸۰). *نظریه رمان*. مترجم حسن مرتضوی. تهران: نشر قصه.
- محمود، احمد (۱۳۵۷). *همسایه‌ها*. چاپ چهارم. تهران: امیرکبیر.

